

محمود رضا اسفندیار*

ویژگی مسیحا در عهد قدیم و مقایسه عصر مسیحایی و آخر الزمان در عهد قدیم و تلمود

۴۹

مقدمه

در جماعت یهود، همانند سایر ادیان، ایده موعودیت همواره به عنوان منبع امید و صبوری در برابر انبوه اندوهی که در گذر زمان، روح و جسم را می‌فرساید مطرح بوده است. یهودی مومنی که به تحقق وعده خداوند ایمان دارد و فرارسیدن دورانی را انتظار می‌کشد که «ماشیح» به عنوان تبلور اراده الهی، صلح و سلامت را برای همه انسانها از جمله قوم یهود به ارمغان می‌آورد، همواره چشم در افق، ظهور چنین سروری را انتظار می‌کشیده است و البته از فرط امید باز یچه دست شیادانی که در جامه مسیح در می‌آمدند نیز قرار می‌گرفته است. ایدئولوژی صهیونیسم در راستای جلب حمایت و بسیج افکار و نیروهای جماعت یهود، صنعت ایدئولوژی کردن مقدسات دیانت یهود را پیشه کرد و از بسیاری از ایده‌های صرف ایمانی این آیین قرائتی دنیوی ارایه داد: از جمله سرزمینهای مقدس، ایده ظهور مسیحا و غیره. در قرائت دنیوی از ایده موعودیت، جنبش صهیونیسم و مآلاً دولت اسرائیل جایگزین مسیحا شدند. در این رویکرد این دو نهاد به عنوان کارگزاران اصلی و حقیقی تحقق وعده‌های مسیحایی معرفی شدند. مومن

* دانشجوی دکترای ادیان و عرفان.

مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، جلد سیزدهم، ۱۳۸۱، ص ۶۸-۴۹.

یهودی دیگر نبایست در انتظار ظهور ماشیح چشم در افق می دوخت بلکه با اطاعت از دستور کار جنبش، به فعلیت یابی همه مواعید ایمانی به دست صهیونیسم رهایی بخش کمک می کرد. مقاله پیش روی معطوف به توضیح جایگاه مسیح در دین و جماعت یهود است. امیدواریم که در فرصتی دیگر، قرائت صهیونیستی از ایده موعودیت نیز مفصلاً به خوانندگان محترم ارایه شود.

مسعود آریایی نیا

پژوهشگر ارشد و مقیم مرکز پژوهشهای
علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

۱. مسیحا و ویژگیهای او در عهد قدیم

۱.۱. مسیحا (messiah) و مسیح باوری (messianism):

واژه (messiah)، انگلیسی شده واژه لاتینی مسیاس (messias) است که از واژه عبری ماشیح (mashi'ah) گرفته شده است. این واژه به معنای «تدهین شده» است که منظور از آن پادشاهی از نسل حضرت داود است که یهودیان به ستوه آمده از حکومت رومیان به آمدن او از جانب خدا برای رهایی بنی اسرائیل باور داشتند. آنها بر این باور بودند که او اسباط پراکنده بنی اسرائیل را تحت حکومت خویش سامان خواهد داد.^۱ در کتاب مقدس عبری، واژه مسیحا (ماشیح) به معنای شخصی نیست که در آینده برای نجات اسرائیل خواهد آمد، بلکه منظور از آن، هرکسی است مانند شاه یا کاهن اعظم که برای تصدی منصبی عالی با روغن مقدس تدهین شده است. این واژه حتی بر کسی که خدا برای وی هدف [و مأموریت] ویژه‌ای در نظر گرفته، نیز اطلاق شده است. (از باب نمونه، برای کوروش، پادشاه ایران، در اشعیا ۱: ۴۵)^۲ به طور کلی مفهوم مسح (تدهین) و مسیح (شخص تدهین شده) در عهد قدیم برای چند گروه استفاده شده است:

۱. بعضی کاهنان: سفر خروج (۴۱: ۲۸)؛ «و برادر خود هارون و زن و پسرانش را با آن لباسها و زینتها بیارا و ایشان را مسح و تخصیص و تقدیس نما تا برای من کهانت کنند.»

۲. بعضی پادشاهان: کتاب یکم سموئیل (۱:۱۰)؛ «پس سموئیل ظرف روغن را گرفته، بر سروی [شائول] ریخت و او را بوسیده، گفت: آیا این نیست که خدا تو را مسح کرد تا بر میراث او حاکم شوی» و (۲۴:۵-۷)؛ «و بعد از آن دل داود مضطرب شد از این جهت که دامن شائول را بریده بود و به کسان خود گفت: حاشا بر من از جانب خداوند که چنین کاری با آقای خود مسیح خداوند بکنم و دست خود را بر او دراز بکنم زیرا که او مسیح خداوند است.»

۳. بعضی از شیوخ و انبیای بنی اسرائیل: مزامیر (۱۰۵:۱۴ و ۱۵) «او [یهوه] نگذاشت که کسی برایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود که بر مسیح های من دست مگذارید و انبیای مرا آزار ندهید.»

۴. قوم بنی اسرائیل: در کتاب حبقوق نبی (۱۳:۱۲ و ۱۳) بنی اسرائیل به عنوان مسیح خداوند ذکر شده است؛ «با خشم امتها را پایمال نمودی برای نجات قوم خویش و خلاصی مسیح خود بیرون آمدی.»

مسیح در حقیقت بیانگر شخصیت منتظر است و اساساً در یهودیت متأخر پدید آمده است. در واقع مسیح، آشکارا یک شخصیت آخرت شناسانه است، اما این واژه در این معنای روشن در عهد قدیم به کار نرفته است.^۳ واژه مسیح باوری (messianism) بیانگر حرکت و یا مجموعه ای از باورها و اعتقادات است که در انتظار ظهور مسیح به عنوان نجات بخش روزهای پایانی جهانی تبلور یافته است. مسیح، کسی است که بنی اسرائیل را به ملکوت خداوند راهنمایی خواهد کرد و شکستگی و ضعف و رنج آنها را التیام خواهد بخشید. بر پایه باور یهودیان، این منجی آسمانی در مفهوم وسیعتری، منجی جامعه انسانی و جهان خواهد بود. او آدمیان را به عصر و جهانی تازه با آسمان و زمینی جدید رهنمون خواهد شد.^۴ عقیده مسیح باوری در طول دورانهای رنج و ناامیدی و ناکامی، توسعه و قوام یافت.^۵ این تصور دلخواه و خوشایند از روزهای پایانی یا «آخر الزمان» (به معنای پایان جهان) در بین یهودیان از حدود سده های سوم و دوم پیش از میلاد پیدا شده است. پیش از این زمان، بنی اسرائیل در انتظار دورانی به سر می برد که وعده الهی تحقق یابد و خداوند قوم برگزیده خود را در «سرزمین موعود» مستقر گرداند و دشمنان آن را نابود کند. در دوره های پس از حکومت داود و سلیمان

- که بنی اسرائیل دچار انحطاط و پراکندگی و فساد و انحراف در دین و اخلاق گردید - بازگشت به دوران قدرت و وحدت و خلوص گذشته، آرزوی این قوم شد و ایشان همواره در انتظار زمانی بودند که خداوند دیگر بار پیشوایانی همانند موسی و یوشع و داود و سلیمان را در میان آنها برانگیزاند تا بدکاران و فاسدان را کیفر دهند و قوم را از بدبختی و تیره روزی و خواری رهایی بخشند. ^۶ در الهیات یهود می توان از سه شخصیت مهم یاد کرد که زمینه ساز اندیشه مسیح باوری بوده اند: آدم، موسی و داود.

بسیاری از توصیفات آینده مسیحایی (آخرالزمان) در کتاب مقدس یادآور وضعیت مطلوب اولیه (بهشت) هستند. از جمله این توصیفات و ویژگیها می توان به رفاه و خوشبختی و زندگی همراه با صلح و صفای همه مخلوقات اعم از حیوانات و انسانها اشاره کرد. در زمان آدم، چنین وضعی بر جهان حاکم بود: ^۷ (سفر پیدایش ۱۰: ۲۸) و (۲: ۱۹-۲۰) خروج بنی اسرائیل از مصر و مهاجرت آنها به رهبری موسی و نجات از آن همه ظلم و ستم و بدبختی در ذهن بنی اسرائیل، تأثیری عمیق بر جای نهاد و این خاطره خوش آنچنان در حافظه این قوم نقش بست که همواره نجات آینده و خود را نیز براساس این الگو و تصور دیده است. ^۸ (سفر خروج ۳: ۱۵-۱۸) داود و خاطره روزهای درخشان حکومت او همچنان در حافظه یهود زنده و امید به داود آینده و حکومتی همانند دوران پادشاهی او در دلهای آنها متبلور است. فقرات زیادی در کتاب مقدس این انتظار را نشان می دهد. ^۹ در واقع، داود، نمونه یک پادشاه یهودی و الگوی جاودانی شخص مسیحا گردید و برخی از انبیا و حکیمان همورا مسیحا می دانستند. او نه تنها یک قهرمان نمونه بود - که با شجاعت و بی باکی به جنگ دشمن می رفت و امتهار را متهور می کرد و قلمرو بنی اسرائیل را گسترش می داد - بلکه خواننده ای خوش نوا، مردی خداپرست و پایه گذار همبستگی قوم خدا بود. ^{۱۰} در واقع عصر داود و سلیمان را می توان دوران شکوفایی آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست. ^{۱۱} شماری از پژوهشگران بر این باورند که اعتقاد یهودیان به ظهور منجی در آخرالزمان از ایرانیان اخذ شده است. چرا که ایرانیان بسی پیشتر از تبعید یهودیان به بابل در انتظار سوشیانت بودند. این باور مورد پذیرش یهودیان تبعیدی قرار گرفت. یادآوری این نکته لازم است که اعتقاد به ظهور منجی در میان

بردگان بنی اسرائیل در مصر همراه با برداشتهای آخر الزمانی نبوده است و مربوط به دوره تبعید بابلی است.^{۱۲} یادآوری این نکته نیز لازم است که نظریه ماشیح، جنبه این جهانی و جهان آینده، جنبه آن جهانی آخرت شناسی یهود است.^{۱۳}

۱.۲. ویژگیهای مسیحا در عهد قدیم

همگام با تکوین و تکامل اندیشه مسیح باوری، سیمای مسیح در عهد قدیم و ضوح بیشتری می یابد. باید توجه داشت واژه ماشیح در معنای خاص آخرت شناسی در کتاب مقدس عبری به کار نرفته است.^{۱۴} اشعیای اول به آحاز، پادشاه اورشلیم (هنگامی که به وسیله شاه اسرائیل و شاه دمشق تهدید به جنگ شد) گفت: تنها به خدا اعتماد کنید و خدا برای اطمینان خاطر شما نشانه ای قرار خواهد داد و آن نشانه این است که باکره ای پسری به دنیا خواهد آورد و نامش را عمانوئیل خواهد گذاشت ... پیش از آنکه آن کودک به سن تمییز بد و خوب برسد، سرزمین این دو پادشاه که موجب وحشت شما شده اند متروک خواهد شد. (اشعیا ۷: ۱۴ و ۱۶) اگرچه مفهوم دقیق این قطعه، محل اختلاف است، عموماً آن را اشاره مستقیمی به پسر آحاز و جانشین او حزقیایا که نام سمبلیک «خدا با ماست» به او داده شده است - تلقی می کنند.^{۱۵} اشعیا، مسیحا را این گونه توصیف می کند: پایه های حکومت و پادشاهی او براساس عدالت خواهد بود. او از شور و اشتیاقی که نسبت به عدالت دارد، شناخته خواهد شد و به او نیروی آسمانی اعطا می شود که به واسطه آن، حق و باطل را از هم تمییز می دهد و عدالت را اجرا می کند.^{۱۶} (اشعیا ۹: ۱-۶) حزقیال، انتظار دیرپای سلطنت خاندان داود را زنده نگه داشت که پایه مسیحا باوری بعدی بود. برای این پیامبر، حاکم آینده یهودیه به عنوان نایب السلطنه خداوند باید تنها عنوان شاهزاده داشته باشد، نه پادشاه. او باید چوپان واقعی گوسفندان خدا باشد.^{۱۷} (حزقیال ۳۴: ۱۱-۲۴) اشعیای دوم، کوروش کبیر، پادشاه ایرانیان را تدهین شده خدا [مسیح خدا] می داند که گویی به عنوان وسیله و مأموری از جانب خدا انتخاب شده است تا یهودیان تبعیدی را از بابل به اورشلیم بازگرداند.^{۱۸} حجی و زکریا، زرو بابل (Zerubabel) را که از جانب کوروش مأمور بازگرداندن یهودیان به اورشلیم و تعمیر

شهر شده بود، تداوم بخش خاندان داودی می شناختند و بنابراین، انتظار مسیحایی را زنده نگه داشتند.^{۱۹} (حجی ۲: ۲۰-۲۳، زکریا ۴: ۶-۷) زکریا به دو شخصیت مسیحایی اشاره می کند. (زکریا، ۳ و ۴) ۱. کاهنی بلند مرتبه ۲. پادشاهی مسیحایی.^{۲۰} کاهن بلند مرتبه از خاندان هارون و پادشاه مسیحایی از خاندان داود است.^{۲۱} ملاکی در پیشگوییهای خود درباره آخرالزمان از ایلیای (الیاس) نبی - که به آسمان صعود کرده و در آنجا زنده است - یاد می کند که پیش از رسیدن به «روز عظیم و مهیب خداوند» ظهور می کند.^{۲۲} (ملاکی ۴: ۵) زکریای دوم (که شش باب آخر کتاب زکریا بدو منسوب است) به خاطر تصرف سوریه و شهرهای ساحلی فلسطین به دست اسکندر دچار وجد و شعف شده بود و آن را نشانه ظهور قریب الوقوع مسیح به عنوان شاهزاده صلح و سلامت می دید.^{۲۳} «ای دختر صهیون بسیار شادی کن و ای دختر اورشلیم موعود، آواز شادمانی سرده. اینک پادشاه تو نزد تو می آید» (زکریا ۹: ۹) این منجی موعود و پادشاه عادل و صالح سوار بر درازگوشی پیروزمندانه وارد اورشلیم خواهد شد و سلطنت او از دریا تا دریا و تا اقصای زمین خواهد بود. (زکریا ۹: ۱۰) دانیال، مسیحا را از تبار داود می داند و این فکر، بدون شک از فره ایزدی و کاریزمای ایرانی به اندیشه دانیال راه یافته است.^{۲۴} در کتاب دانیال از «کسی شبیه فرزند انسان» یاد می شود که «با ابرهای آسمان می آید» (۱۳: ۷) و ریشه و اصل او خداست. این شخصیت سمبلیک، به زودی به عنوان یک شخصیت واقعی، یعنی مسیحا تلقی گردید.^{۲۵}

۲. آخرالزمان و عصر مسیحایی در عهد قدیم

در کتاب مقدس عبری واژه اهاریت (aharit) به معنای پایان و اهاریت یمیم (aharit yamim) پایان روزها، کم و بیش به آینده ای دور دست اشاره می کند و به روزهای پایانی جهان - که بخشی از تاریخ محسوب می شود - دلالت ندارد.^{۲۶} از این رو بعضی از پژوهشگران کوشیده اند که عقاید معادشناسانه بنی اسرائیل را در عقاید مشابه همسایگان باستانی آنان مانند مصر و بابل جستجو کنند. احتمالاً در کتابهای انبیا می توان چنین اقتباسهایی را از منابع مذکور مشاهده کرد.^{۲۷} دارمستتر و بعضی از دیگر پژوهشگران بر این

عقیده اند که دین یهود تأثیرات فراوانی از اوستا پذیرفته است. سایر پژوهشگران نیز معادشناسی و شماری از معتقدات دیگر یهودی را مقتبس از ایرانیان می دانند. یقیناً تفاوت‌های زیادی میان دو معاد شناسی یهودی و زردشتی وجود داشته است. با این وجود نمی توان شباهت‌های زیاد آنها را انکار نمود. از جمله می توان به این مطالب اشاره کرد: ۱. عقیده ادوار جهان، ۲. غلبه نیروهای شر، عقیده به مسیحا، پاداش پس از مرگ، نابودی جهان در رستاخیز و تجدید جهان.^{۲۸}

۲. ۱. دوره پیش از انبیا

از دوره شیوخ به موسی و یوشع و از داوران و چند قرن اولیه پادشاهان مدارک کمی از آخرت شناسی واقعی وجود دارد. بنی اسرائیل، خدای یکتا و مقتدری را تقدیس می کردند که خدای همه جهانیان بود و بنی اسرائیل را به عنوان قوم برگزیده خود انتخاب کرده بود. یهود با تلفیق این اندیشه با نوعی جهان گرایی، همواره در انتظار حکومت مطلق خدا بر جهان بشریت بوده است. خداوند براساس پیمانش با قوم برگزیده خود، به اقتضای زمان ضرورت، منجیانی نظیر موسی و یوشع و داوران مختلف، به ویژه داود (مسیحای آرمانی یهود برای سلطنت همیشگی و جاودانی اسرائیل) را خواهد فرستاد. چنین امید و انتظاری که برخاسته از میثاق خدای اسرائیل با قومش بود به آخرت شناسی واقعی انجامید. از این رو منشأ اصلی آخرت شناسی، یهود را باید در عقیده اسرائیل به برگزیده بودنش توسط خدا دانست که خداوند به واسطه این قوم، حکومت خویش را بر تمامی هستی می گسترد و بدین ترتیب، خداوند به وعده خود به اسرائیل، یعنی استقرار آنها در سرزمین موعود- کنعان- وفا خواهد کرد.^{۲۹} می توان گفت اساس معاد شناسی یهود در این دوره پایه ریزی شده است.^{۳۰}

۲. ۲. انبیای پیش از اسارت

عاموس (قرن هشتم پیش از میلاد) نخستین پیامبر باستانی یهود است که سخنانش به شکل مکتوب در مجموعه کتاب مقدس با عنوان کتاب عاموس باقی مانده است.^{۳۱} عاموس

علیه بی عدالتی و ظلم و ستم به اعتراض برخاست. او به دنبال برپایی عدالت بود. البته تنها دل مشغولی این پیامبر، عدالت اجتماعی نبود، بلکه اهتمام به انجام اعمال و وظایف عبادی نیز از اهداف رسالت وی به شمار می رفت.^{۳۲} به عاموس الهام شده بود این شرارتهای بی عدالتیها گرفتاری و عذاب را در پی خواهد داشت. وی در پیشگویی خود درباره مجازات اسرائیل و یهودیه و تعیین زمان آن از تعبیر «روز خداوند» (yom yhwh) استفاده کرد.^{۳۳} چنین روزی، روز انتقام الهی است: «وای بر شما که مشتاق روز خداوند هستید. روز خداوند برای شما چه خواهد بود؟ تاریکی و نه روشنایی و ... و ظلمت غلیظی که در آن هیچ درخشندگی نباشد.» (۵: ۱۸، ۲۰) عاموس در ادامه، مفهوم «روز خداوند» (روز انتقام الهی و عذاب و گرفتاری بنی اسرائیل) را بسط بیشتری می دهد و بر آن تأکید می کند:^{۳۴} «و خداوند می گوید که در آن روز آفتاب را در وقت ظهر فرو خواهیم برد و زمین را در روز روشن تاریک خواهیم نمود و عیدهای شما را به ماتم و همه سرودهای شما را به مرثیه مبدل خواهیم ساخت» (۸: ۱۱-۱۴) در حالی که عاموس تصور خورشید گرفتگی در میان روز را به مفهوم مجازی آن به کار می برد، در پیشگوییهای آخرت شناسانه انبیای بعدی این تصور به آشفتگیهای کیهانی وسیعتری که مصادف با «روز خداوند» است، ارتقا یافت.^{۳۵} با این همه، سخنان عاموس همگی تهدید و انذار نیست، بلکه برای بنی اسرائیل - پس از آنکه کیفر گناهان و بدعهدیهای خود را دیدند - روز سعادت و خیر نیز پیش بینی می کند:^{۳۶} «در آن روز خیمه داود را که افتاده است بر پا خواهیم کرد ... و اسیری قوم خود، اسرائیل را پایان خواهیم بخشید ... و بار دیگر از زمینی که به ایشان داده، کنده نخواهند شد.» (۹: ۱۱-۱۵)

هوشع (قرن هشتم پیش از میلاد) دنباله رو عاموس بود و به شدت از مفاسد اخلاقی در میان بنی اسرائیل انتقاد می کرد، اما وی این تهدیدها و انذارها را با وعده سعادت آینده و بخشش عمومی یهودیان در آمیخته بود. هوشع از آمدن این روز موعود و صلح و سعادت بی پایانی که پس از آن خواهد بود، سخن گفته است. (۲: ۲۰-۲۵) وی نقش مهمی را در فرآیند تکامل اندیشه آخرت شناسی یهود ایفا کرده است.^{۳۷} اشعیای یکم حدوداً بین سالهای ۷۰۱ تا ۷۴۰ پیش از میلاد، نبوت می کرد. ۳۹ باب نخستین کتاب طولانی اشعیا در کتاب

مقدس منسوب به اوست. ایام نبوت او با بحر آنها و گرفتاریهای فراوانی مصادف بود. از این رو اشعیا به انتقاد از بت پرستی و انحطاط اخلاقی بنی اسرائیل پرداخت و آنها را از آمدن «روز خداوند» که با مجازات سختی همراه است بر حذر داشت. این پیشگوییها دارای مضمون آخرت شناسانه است که در آنها غالباً از نابودی و ویرانی برای همه مردم جهان و آشفته‌گیهای کیهانی سخن رفته است: ^{۳۸} «چشمان بلند انسان، پست و تکبر مردان، خم خواهد شد و در آن روز، خداوند به تنهایی متعال خواهد بود. زیرا که برای یهوه روزی است که بر هر چیز بلند و عالی خواهد آمد و بر هر چیز مرتفع و آنها پست خواهد شد... و بر همه کوههای عالی و بر تمام تپه‌های بلند و بر هر برج مرتفع و بر هر حصار منیع» (۲: ۱۱-۱۶) خشم خداوند طوفان و زلزله‌ای عظیم بر جهان نازل خواهد کرد و شعله‌های آتش همه جا را فرا خواهد گرفت (۲۹: ۷-۶) از دیگر مضامین آخرت شناسانه کتاب اشعیا درباره «اخلاف و باقیمانده اسرائیل» است. این عبارت بر وعده‌ای خوشایند و التیام بخش دلالت می‌کند که بیانگر رضایت خدا از باقیمانده بنی اسرائیل است. ^{۳۹} (۱۰: ۲۲-۲۸، ۵: ۳۷ و ۱۴: ۳۰ و ۱۱: ۱۱، ۱۶) علاوه بر اینها موضوع جدیدی در کتاب اشعیا به چشم می‌خورد که پادشاه آرمانی آینده بنی اسرائیل است. ^{۴۰} «و نهالی از تنه یسی بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند... او مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و برای مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم و طفل کوچک آنها را خواهد راند.» (۱۱: ۷-۱)

قطعات فوق، اساس و پایه ایده پادشاهی مسیحایی شکوهمند برای دوران پس از اسارت و یکی از عناصر مهم آخرت شناسی یهود در دوره‌های بعدی گردید. اشعیا صلح دوران مسیحایی را بازگشت به سعادت و باغ عدن توصیف می‌کند که همه مخلوقات، حیوانات و آدمیان در مسالمت و صلح و صفا در آنجا باهم زندگی می‌کنند. ^{۴۱} میکاه (۱: ۷۰۱-۷۲۴ ق.م) فساد اخلاقی دوران خویش را در قالب عباراتی نظیر عاموس شرح می‌داد و برای تصویر کشیدن علاقه و توجه به خداوند از زبانی شبیه به یوشع بهره می‌جست. ^{۴۲} قسمت عمده کتاب

میکاه مربوط به پیشگویی‌هایی درباره نجات و «دوره جدید» (new age) است. شباهت فراوانی میان دیدگاه میکاه و اشعیا درباره «دوره جدید» وجود دارد. او هنگامی که به حاکم جدید بنی اسرائیل (پادشاهی از نسل داود که از شهر بیت اللحم می آید) می پردازد (۵: ۱-۵)، «دوره جدید» را عصر صلح می خواند.^{۴۳} (۵-۱: ۴)

نبوت صفنیا احتمالاً حدود سالهای ۶۳-۶۴ پیش از میلاد بوده است. او بادیدن رواج شرک و بت پرستی و فساد یهودیان اظهار کرد که «روز بزرگ خداوند نزدیک است.» (۱۴: ۱) توصیفات واقعی و آشکاری که او از این روز به دست می دهد تأثیر فراوانی بر نوشته های آخرت شناسانه بعدی گذاشت. صفنیا بعد از توصیف نابودی همه ظالمان و بدکاران در این روز (۱: ۱-۱۴) فریاد بر می آورد:^{۴۴} «آن روز، روز غضب است. روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ... مردمان را چنان به تنگ می آورم که کورانه راه خواهند رفت، زیرا که به خداوند گناه ورزیده اند. پس خون ایشان مثل غبار و گوشت ایشان مانند سرگین ریخته خواهد شد. در روز غضب خداوند، نه نقره و نه طلایشان آنها را نمی تواند برهاند و تمامی جهان از آتش غیرت او خواهد سوخت، زیرا که بر تمامی ساکنان جهان هلاکتی هولناک وارد خواهد آورد.» (۱۸-۱۵: ۱)

اما گروهی مورد لطف و محبت خداوند قرار خواهند گرفت که صفنیا از آنها با عبارات «باقیمانده مردم من» و «بازماندگان قوم من» یاد می کند: «اما در میان تو قومی ذلیل و مسکین باقی خواهیم گذاشت و ایشان بر اسم خداوند توکل خواهند کرد و بقیه اسرائیل بی انصافی نخواهند نمود و دروغ نخواهند گفت و در دهان ایشان، زبان فریبنده یافت نخواهد شد، زیرا که ایشان چرا کرده و به آرامی خواهند خوابید و ترساننده ای نخواهند بود.» (۱۲: ۳-۱۳)

نبوت ارمیا (۵۸۰-۶۲۵ پیش از میلاد) بیشتر مبتنی بر انداز و وعید بود و بلایا و مصایب غم انگیز را پیش بینی می کرد که ممکن بود به یاری خداوند رفع شود و یا به خیر انجامد.^{۴۵} کتاب ارمیا را می توان یکسره آخرت شناسانه تلقی کرد. شانزده فقره از پیشگویی‌های او با عبارت (آگاه باشید روزهای آینده فرا خواهد رسید) آغاز می شود که برای ارمیا تقریباً معادل واژه آخرت شناسانه «پایان روزگار» محسوب می شود.^{۴۶} (۶: ۱۹، ۱۶: ۱۴ و ۲۴: ۹ و ۳۲: ۷)

البته ارمیا برای «بقیه اسرائیل» که از گناه و عصیان دوری گزیده اند، فرجام خوشایندی را پیش بینی می کند: «خداوند می گوید که ایامی می آید که اسیران قوم خود اسرائیل و یهود را باز خواهیم آورد و خداوند می گوید که ایشان را به زمینی که به پدرانشان داده ام، باز خواهیم رسانید تا آن را به تصرف آورند.» (۳: ۳) ارمیا همانند اشعیا و میکاه، از ظهور پادشاهی از نسل داود که عدل الهی را در جهان جاری خواهد کرد، خبر می دهد.^{۴۷} (۲۳: ۵-۶) در کتابهای دوران پیش از اسارت، «روز خداوند» پایان جهان نیست و سخنی از رستاخیز آخرالزمانی و پاداش و کیفر اخروی به میان نمی آید. قهر و غضب الهی و «روز خداوند» در همین جهان است و عاصیان بنی اسرائیل و دشمنان آن قوم را در بر می گیرد و پادشاهی که ظهور خواهد کرد، عدل و اراده خداوند را از لحاظ مصالح قوم یهود برپا خواهد ساخت و عهدی را که در طور سینا بسته شده بود، دوباره تجدید خواهد کرد.^{۴۸}

۲. ۳. دوران اسارت و پس از اسارت

در کتابهای این دوره، مانند کتاب خرقیال نبی، بخشهایی از کتاب اشعیا که به اشعیای دوم و اشعیای سوم معروف است، کتاب زکریا، دانیال و چند کتاب دیگر، مصیبتها و بلاهایی که از بابلیان بر قوم بنی اسرائیل رسید و خواری و ذلتی که در دوران اسارت تحمل کردند، همگی کیفر الهی و پادافره گناهان آنان به شمار آمده و آنچه غایت آرزو و انتظار آنان است، بازگشت به اورشلیم، تجدید بنای معبد، ظهور فرمانروایی از نسل داود و تحقق وعده خداوند در سرزمین موعود است.^{۴۹} اسارت بابلی از منظر آخرت شناسی به عنوان عذاب و بخشی از داوری خداوند تلقی می گردد. عقوبتی که بنی اسرائیل به خاطر دوری از خدا به آن دچار شدند. بدین ترتیب، این عذاب (اسارت) به نوعی موجب بهبودی وضعیت بنی اسرائیل و حیات تازه آنان می گردد. به واسطه همین گرفتاریها ایمان آنها حفظ می شود و سرانجام آنها باید به سرزمین خود بازگردند و در آنجا مستقر شوند، چرا که پادشاهی نهایی خداوند بر قومش بدین طریق میسر می شود و پس از آن، صلح و آرامش در همه زمین حاکم می شود.^{۵۰} خرقیال پیش از نابودی اورشلیم، این واقعه را پیشگویی کرده بود. او جزو نخستین گروههای قوم یهود بود که از سوی

نبوکدنصر در سال ۵۹۷ پیش از میلاد به بابل تبعید شدند. او با تأکید بیشتری نسبت به پیامبران پیش از خود، حتمی بودن داوری و عقوبت الهی در حق ملل مشرک (باب ۳۶) و تجدید حیات قوم و دستیابی آنها به جایگاه مقدس و مناسبتر از گذشته سخن گفته است:^{۵۱}

«پس بگو خداوند چنین می فرماید: شما را از میان امتهای جمع خواهم کرد و شما را از کشورهای که در آنها پراکنده شده اید، فراهم خواهم آورد و زمین اسرائیل را به شما خواهم داد.» (۱۷: ۱۱-۲۰) از پیشگوییهای حزقیال، حمله «جوج» (Gog) از سرزمین مأجوج (Magog) بر بنی اسرائیل - پس از استقرار آنها در اورشلیم - است که خداوند او و سپاهیان را نابود خواهد کرد و از آن پس، هیچ قدرت دیگری هرگز بر این قوم غالب نخواهد شد.^{۵۲}

(۱: ۳۸ و ۲۹: ۳۹) اشعای دوم از پیامبران ایام اسارت بود. دغدغه اصلی او بیان علت و کشف مصلحت شقاوتها و شدایدی بود که خدای یهود بر آنها روا داشته بود. او علاوه بر اینکه این بلاها و مصایب را کیفر گناهان بنی اسرائیل می دانست، معتقد بود که آلام و رنجهای قوم، تنها معلول گناهان کبیره ایشان نیست، بلکه خداوند مصلحت جهانیان را به طور کلی در نظر دارد و به حکمت بالغه خود برای نجات عالم، این شداید و بلاها را بر یهود مقدر کرده است و بدین وسیله سایر امتهای جهان متنبه خواهند شد و به راه عدالت خواهند رفت. او بشارت داد که نه تنها سراسر جهانیان به سوی اورشلیم خواهند آمد، بلکه سعادت و نجات به اقصای عالم خواهد رسید و شر از روی زمین رخت بر خواهد بست.^{۵۳} از منظر آخرت شناسانه، اشعای دوم به خاطر تصور روشنی که از طرح خداوند در هدایت تاریخ بشریت بر روی زمین دارد حایز اهمیت است. این خداست که تاریخ و سرنوشت عالم را از آغاز تا پایان از پیش رقم زده است.

(۸: ۴۲ - ۹ و ۴۱: ۲۲-۲۳) مقصود خداوند برای نجات جهان باید به وسیله «خدمتکار خداوند» انجام شود. کسی که هم به اسرائیل هویت می بخشد و هم برای او مأموریتی دارد.

(۵: ۴۹) و رنجهای او، کفاره گناهان شر است و عظمت شکوهمندش صلح و نجات را برای جهان به ارمغان می آورد.^{۵۴} (۵۲: ۱۳ و ۵۳: ۱۲) در کتاب اشعای دوم «روز خداوند» هنگامی است که در سیر تاریخ جهان به نقطه غایت و کمال خود می رسد و «خلقی جدید» آغاز می شود که همگانی است و خاص بنی اسرائیل نیست.^{۵۵} (۴۱: ۱۷-۲۰ و ۷-۵: ۴۲ و ۱: ۴۳ و ۸: ۴۵).

در کتاب ملاکی (حدود سده ۵ پیش از میلاد) موضوع «آخر الزمان» به معنای فرجام شناسی آن، شکل روشنتری به خود گرفته است:^{۵۶} پیش از روز عظیم و مهیب خداوند ایلیا ظهور خواهد کرد و خداوند در معبد خود فرود آمده، داوری بزرگ برپا خواهد شد و همه کافران و گناهکاران به پاداش اعمال خود خواهند رسید. (۳: ۱-۶ و ۴: ۵) یوئیل حدود سالهای ۳۵۰ پیش از میلاد نبوت می کرد. پیشگوییهای او نیز دارای ویژگیهای آخرت شناسی و در بردارنده آشفته‌گیهای کیهانی است که سرآغاز دوره ای سعادت آمیز تلقی می شود: «آفتاب و ماه سیاه می شوند و ستارگان از تابش فرو می مانند» (۱۳: ۱۵) «و در آن روز کوهها، عصاره انگور خواهند چکانید و از کوهها، شیر جاری خواهد شد و در تمامی وادیهای یهودا، آب جاری خواهد گردید...» (۳: ۱۸) «دشمنان بنی اسرائیل نابود و سرزمینهای آنها خشک و ویران خواهد شد. یهودا و اورشلیم آباد و یهوه در آن ساکن خواهد شد.» (۳: ۱۹-۲۱) زکریای دوم، فرارسیدن «روز خداوند» را با تغییرات بزرگ کیهانی همراه می داند: خورشید و ستارگان، تاریک خواهند شد، شب، روشن خواهد گشت، آبهای زنده اورشلیم جاری خواهد شد که نصف آنها به سوی دریای شرقی و نصف دیگر آنها به سوی دریای غربی خواهد رفت... و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. (۴: ۸) اشعیای سوم که یازده فصل پایانی کتاب اشعیا (۵۶: ۱ تا ۶۶: ۲۴) منسوب به اوست، احتمالاً معاصر عزرا و نحمیا (قرن چهارم پیش از میلاد) بوده است.^{۵۷} در کتاب اشعیای سوم از داوری نهایی خداوند و آتش خاموش ناپذیری که همه گناهکاران را فرو خواهد سوخت و از خلق آسمانهای جدید و زمین جدید (۶۶: ۲۲-۲۴) و از شکوه و جلال اورشلیم جدید و سرور و شادی همه مردم جهان در آنجا، سخن رفته است. (۱۲: ۶۰-۶۲ و ۶۵: ۱۷-۲۵) در بخش میانی کتاب اشعیا (۲۴: ۱ و ۲۷: ۱۳) که به مکاشفات اشعیا معروف است (ابواب ۵۶ تا ۶۶: ۲۴) و به دوره های متأخر (سده دوم یا سوم پیش از میلاد) تعلق دارد، از انهدام جهان در آخر الزمان، رستخیز مردگان و پاداش اعمال خبر داده شده است.^{۵۸} توصیفات مکاشفات اشعیا از آشفته‌گیهای کیهانی در آخر الزمان (۲۴: ۱۹-۲۳) و نجات بازماندگان (۲۶: ۲۰-۲۱)، سبک و بیان مشابهی با نوشته های مکاشفه ای بعدی دارد.^{۵۹} در میان کتابهای رسمی عهد عتیق، موضوعات مربوط به احوال

آخرالزمان و ظهور منجی و رستاخیز مردگان و کیفر اعمال، از همه جا صریحتر و روشنتر در کتاب دانیال آمده است.^{۶۰} تألیف این کتاب در شکل فعلی آن در دوران سلطنت آنتیوخوس اپیفانس، فرمانروای سوریه و فلسطین (۱۷۵-۱۶۴ پیش از میلاد) صورت گرفت؛ هنگامی که جامعه یهود - گرفتار بحرانهای شدیدی مانند نفوذ افکار یونانی (هلنیستی) از اورشلیم دوران و ظلم و شکنجه عمال حکومت اپیفانس - از بیرون شده بود.^{۶۱} بخشهایی از کتاب دانیال، نوشته های مکاشفه ای است که در موضوعاتی نظیر فرشته شناسی و تقسیم تاریخ به ادوار گوناگون بسیار تحت تأثیر فرهنگ ایرانی است.^{۶۲} از جمله قطعات مکاشفه ای این کتاب که دارای جنبه آخرت شناسی است، می توان به این روایا اشاره کرد: دانیال چهار جانور را که نماد چهار قدرت و حکومت جهانی هستند (اولی شبیه شیر، دومی شبیه خرس، سومی شبیه پلنگ و چهارمی که حیوانی است مهیب و ترسناک و قدرتمند با دندانهای بزرگ آهنی) رؤیت می کند، آنگاه به دنبال آن صحنه داوری که هزاران هزار نفر در پیشگاه قدیم الایام ایستاده بودند، دفترها گشوده و تسلط و قدرت از حیوانات گرفته می شود و جانور چهارم نیز کشته می شود. از این پس پادشاهی ابدی بر روی زمین آغاز می شود که به پسر انسان که با ابرهای آسمان آمد، داده شده است.^{۶۳} (۷: ۱-۱۵) این پادشاهی ابدی که حکومت پنجم نامیده می شود، سلطنتی نهایی و جاودانی خواهد بود و بیانگر تصویری آخرت شناسانه است.^{۶۴} روشنترین تصویر آخرت شناسانه که در کتاب دانیال آمده از این قرار است: «و در آن زمان، میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از زمانی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هریک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنها که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی (۱۲: ۱-۳)

۳. عصر مسیحایی و آخرالزمان در تلمود

۳.۱. مسیحای تلمود

تلمود صدها بار به ماشیح و مأموریت او اشاره کرده است. جملگی دانشمندان یهود در اینکه ماشیح یک انسان خواهد بود و از طرف خداوند مأمور انجام وظیفه خاصی خواهد شد، متفق الرأی بوده اند. تلمود در هیچ جا به این اعتقاد که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق انسانی باشد، اشاره نمی کند.^{۶۵} تلمود، مسیحا را به پادشاه آخرت شناسانه (مسیح شاه) از نسل داود منحصر می داند. مسیحا، پادشاهی است که در منتهای تاریخ بشر، بنی اسرائیل رانجات خواهد بخشید و بر آنها حکومت خواهد کرد و به واسطه اوست که ملکوت خداوند برقرار می گردد. او دشمنان اسرائیل را شکست می دهد و بنی اسرائیل را به سرزمین موعود باز می گرداند و آنها را با خدا آشتی خواهد داد و دورانی آکنده از سعادت و شادکامی مادی و معنوی را آغاز می کند. او پیامبر، جنگجو، قاضی پادشاه و معلم تورات خواهد بود.^{۶۶} دومین شخصیت مسیحایی تلمود، مسیحا فرزند یوسف است که پیش از ظهور مسیحا بن داود می آید و در جنگ با دشمنان خدا و بنی اسرائیل کشته می شود.^{۶۷} برخی از پژوهشگران معتقدند که مسیحابن یوسف در حقیقت، تصویری است از «بار کوکبا»، رهبر شورشیان یهودی که از سال ۱۳۲ تا سال ۱۳۵ میلادی با حکومت روم به مبارزه برخاست و در این پیکار کشته شد.^{۶۸} مسیحا به نامهای گوناگونی خوانده شده است. بعضی از شاگردان ربانیان و علمای یهود کوشیده اند که برای ماشیح، نامی مشابه اسم استاد خود از متن کتاب مقدس بیابند: «نام مسیحا چیست؟ شاگردان مکتب ربی شیلو پاسخ دادند؛ نام او «شیلو» (Shiloh) خواهد بود؛ چرا که نوشته شده است: تا شیلو بیاید [سفر پیدایش ۱۰:۴۹]. شاگردان مکتب ربی نیا می گفتند: نام او بینون خواهد بود؛ چرا که نوشته شده است: نامش تا ابد باقی خواهد بود، و اسم او پیش آفتاب دوام خواهد داشت [مزامیر ۱۷:۷۲] شاگردان مکتب ربی حنینا گفتند: نام او حنینا خواهد بود، همان گونه که نوشته شده است: زیرا که به شما ترحم نخواهم کرد.»^{۶۹}

۳. ۲. عصر مسیحایی و آخرالزمان

در تعالیم تلمودی، تمایزی میان ایام مسیحا و جهان آینده به وجود آمد.^{۷۰} موضوع آخرالزمان و علایم آن در تلمود، ادامه و بسط همان مطالبی است که در ادبیات بین‌العهدینی دیده می‌شود.^{۷۱} ایام مسیحا در تلمود، در واقع مرحله انتقالی به جهان آینده است. در تلمود مدت عمر جهان را شش هزار و گاهی هفت هزار سال دانسته‌اند و دورانی که زمان دنیا را از زمان جهان آخرت جدا می‌کند «ایام مسیحا» است و مدت آن گاهی چهل سال، گاهی هفتاد، سیصد و شصت و پنج، چهارصد و گاهی هزار سال حساب می‌شود.^{۷۲} بر این اساس، محاسباتی مربوط به تاریخ ظهور ماشیح در تلمود یافت می‌شود که بیشتر آنان تاریخی، در حدود پایان قرن پنجم میلادی را نشان می‌دهند. کوشش برای محاسبه و یافتن تاریخ پایان ذلت قوم اسرائیل و ظهور ماشیح، از طرف اکثریت دانشمندان یهود به شدت تقبیح شده است. زیرا این محاسبات و پیشگوییها، امیدهایی در دل مردم پدید می‌آورد که بعداً به حقیقت نپیوسته و موجب یأس و ناامیدی می‌شود.^{۷۳} از میان دانشمندان یهود، شاید تنها یک نفر منکر ظهور مسیحا باشد. ربی هیلل معتقد بود که اسرائیل دیگر مسیحایی ندارد، چرا که قبلاً هنگام حکومت حزقیای از وجود او به‌رمنده شده‌اند.^{۷۴} مقارن ظهور مسیحا، جهان دارای وضعیت خاصی است که می‌توان آنها را علایم ظهور دانست: جوانان به پیران بی‌احترامی می‌کنند و دختر با مادر خود مخالفت خواهد کرد و فرزند از پدر خود خجالت نخواهد کشید؛ محل تحصیل و مطالعه به اماکن فساد مبدل خواهد شد؛ دانش دبیران فاسد خواهد گشت. مشکلات سیاسی میان حکومت‌های مختلف جهان، منجر به جنگ‌های هولناک خواهد شد؛ دولت گوگ و ماگوگ (یا جوج و مأجوج) علیه اسرائیل به جنگ خواهند آمد؛^{۷۵} قاضیان و کارگزاران شریعت، اعتباری نخواهند داشت و مردم بسیار مورد تهمت واقع خواهند شد و هرج و مرج بر همه چیز مسلط خواهد گردید؛ کسی شریعت را مطالعه نخواهد کرد؛ پارسایان، خوار خواهند شد و محل اجتماعات مردم به خانه فواحش تبدیل خواهد گردید.^{۷۶} از دیگر نشانه‌های ظهور، محنت‌های مسیحایی است. دانشمندان یهود از این محنت‌ها و مصیبت‌ها به «دردهای زایمان دوره ماشیح» تعبیر می‌کردند. یعنی همانطور که پیش از تولد کودک مادر

باید درد ورنج زیادی را تحمل کند، به همان گونه ظهور ماشیح نیز با سختیها و مشقات طاقت فرسا همراه خواهد بود.^{۷۷}

با اینکه بسیاری از دانشمندان یهود معتقدند که خداوند خود زمان مشخصی را برای آغاز دوران مسیحا در نظر گرفته است، عده ای دیگر بر این باورند که زمان ظهور به رفتار مردم بستگی دارد. ربی حیّه (Hiyya) گفته است: اگر بنی اسرائیل تنها یک روز توبه کند، بلافاصله پسر داود (ماشیح) خواهد آمد. ربی لوی (Levi) گفته است اگر بنی اسرائیل تنها حرمت یک «شنبه» را به طور صحیح نگاه دارد پسر داود بلافاصله خواهد آمد.^{۷۸} اوضاع جهان در عصر مسیحا دگرگون می شود. نیروی باروری طبیعت به شکل شگفت انگیز و معجزه آسایی فزونی خواهد یافت. در دوران ماشیح، از یک حبه انگور، یک خم بزرگ آب انگور می گیرند. در عصر مسیحا غلات در مدت یک ماه رشد می کنند و درختان ظرف دو ماه میوه خواهند داد. مسیحا دورانی از صلح پایدار و بی زوال و شادمانی و خرسندی را در سراسر جهان پدید خواهد آورد. کوران و لنگان و گنگان شفا خواهند یافت. بنی اسرائیل با ظهور مسیحا بیش از دیگر ملت‌ها خوشبخت خواهد شد. ظلم و جوری که از جهانیان تجاوزگر تحمل کرده است پایان خواهد یافت و به مقام عالی که خداوند برایش مقدر کرده است، خواهد رسید. اسباط گمشده باردیگر به سرزمین اسرائیل مراجعت خواهند کرد و شهر مقدس اورشلیم تجدید بنا خواهد شد.^{۷۹} از آنجا که دوران ماشیح چنین خوشیها و سعادت عظیمی را با خود خواهد آورد. پس حق، آن است که به نیکوکارانی که از جهان گذشته اند اجازه داده شود که در آن شرکت جسته و شیرین و بدکاران از آن محروم گردند، در نتیجه، اعتقاد به ظهور ماشیح با ایمان به حقیقت رستاخیزمردگان در صورتی که شایسته چنین پاداش و موهبتی باشند، همراه است.^{۸۰} از این روست که تلمود به طور بی سابقه ای تنها به رستاخیز نیکوکاران توجه می کند. اگرچه بعضی مواقع، رستاخیز نیکوکاران غیریهودی و حتی بعضاً همه غیریهودیان را در نظر دارد.^{۸۱} □

پاورقیها:

1. Harlod Louis Ginsberg, "Messiah," *Encyclopedical Judaica*, Jerusalem: Encyclopedia Judiaca, 1974, Vol, 11, p. 1407.
۲. ر. فرزین، (مترجم)، «ماشیح»: هفت آسمان (فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب)، شماره ۱۰ و ۹، ۱۳۸۰، ص ۳۶۸.
3. Motyer, J. A, "Messian," *New Bible Dictionary*, U.S.A: Inter-Varsity Press, 1994, p. 764.
4. Zwi Werblowsky, R.J, "Messianism," *Encyclopedia of Religion*, ed. by: M. Eliade, U.S. A, 1987, Vol. 9, p. 472.
5. Ibid.
۶. فتح الله مجتبیایی، «آخر الزمان»، دائرة المعارف بزرگ اسلام، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلام، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۷.
7. Motyer, *op.cit.*
8. *Ibid.*
9. *Ibid.*, p. 473.
۱۰. گرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷، ص ص ۱۹-۲۰.
۱۱. همان، ص ۲۱.
۱۲. شیرین دخت دقیقیان، نردبانی به آسمان، تهران: نشر ویدا، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸.
۱۳. فرزین، پیشین، ص ۳۶۸.
14. Zwi Werblowsky, *op.cit.*, p. 472.
15. Louis. F Hartman, "Eschatology" *Encyclopedia of Judaica*, Vol.6, p. 865.
16. Ginsberg, *op.cit.*, p. 1408.
17. Hartman, *op.cit.*, p. 868.
18. Zwi Werblowsky, *op.cit.*
19. Hartman, *op.cit.*, p. 869.
20. Ginsberg, *op.cit.*, p. 1409.
21. Zwi Werblowsky, *op.cit.*, p. 473.
۲۲. مجتبیایی، پیشین، ص ۱۳۸.
23. Hartman, *op.cit.*, p. 870.
۲۴. دقیقیان، پیشین، ص ۱۰۸.
25. Hartman, *op.cit.*, pp. 871-2.

26. Zwi Werblowsky, "Eschatology," *Encyclopedia of Religion*, Vol.5. p. 150.
27. Hartman, *op.cit.*, p. 861.
28. G.A. Macculloch, "Eschatology," *Encyclopedia of Religion, and Ethics*, ed. by: J. Hastings, England, 1981, Vol. 5, p. 381.
29. Hartman, *op.cit.*, pp. 861-2.
30. *Ibid*, p. 861.
31. Gitay, Yehoshua, "Amos," *Encyclopedia of Religion*, Vol.1, p.240.
32. *Ibid*, p. 241.
33. Hartman, *op.cit.*, p. 862.
34. *Ibid*, p. 863.
35. *Ibid*.
۳۶. مجتبایی، پیشین، ص ۱۳۷.
37. Hartman, *op.cit.*, p. 864.
38. *Ibid*, pp. 864-5.
39. *Ibid*, p. 865.
۴۰. بخشهایی از پیشگوییهای عمانوییل است که در صفحات پیش به آن اشاره شد.
41. Hartman, *op.cit.*, p. 866.
۴۲. کایل بیتس، دین یهود، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۵۹۴.
43. Gitay, "Micab," *Encyclopedia of Religion*, Vol.9. p. 497.
44. Hartman, *op.cit.*
۴۵. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ص ۵۲۱.
46. Hartman, *op.cit.*, p. 867.
۴۷. مجتبایی، پیشین، ص ۱۲۷.
۴۸. همان.
۴۹. همان.
50. C.F, Mac Culloch, *op.cit.*, p. 377.
51. Hartman, *op.cit.*, pp.867-8.
۵۲. مجتبایی، پیشین، ص ص ۹-۱۳۸.
۵۳. ناس، پیشین، ص ص ۴-۵۳۱.
54. Hartman, *op.cit.*, pp. 868-9.
۵۵. مجتبایی، پیشین، ص ۱۳۸.
۵۶. همان.

57. Gitay, "Isaian," *Encyclopedia of Religion*, Vol.7, p. 294.

۵۸. مجتبایی، پیشین

59. Hartman, *op.cit.*, p. 870.

۶۰. مجتبایی، پیشین

61. Hartman, *op.cit.*, p. 871.

62. *Ibid.*

63. C.F; Mac Culloch, *op.cit.*, p. 378.

64. Hartman, *op.cit.*

۶۵. ا. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، به همت یهودا حی، تهران: یهودا حی، ۱۳۵۰، ص ۳۵۲.

66. Ginsberg, *op.cit.*, pp. 1410-1.

67. *Ibid.*

۶۸. مجتبایی، پیشین، ص ۱۴۰.

69. Levinus, *Difficult Freedom: Essay on Judaism*, Translated By: Sean Hand, London: The Athlone Press, 1990, pp. 85.

70. John Bokere (ed), *The Oxford Dictionary of World Religion*, New York: Oxford University Press, 1990, p. 318.

۷۱. مجتبایی، پیشین.

۷۲. همان.

۷۳. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، پیشین، ص ۳۵۶.

74. Levinus, *op.cit.*, p. 81.

۷۵. کهن، پیشین، ص ص ۳۵۴-۵.

۷۶. گرینستون، پیشین، ص ۶۲.

۷۷. کهن، پیشین، ص ۳۵۴.

78. Williams Scott Green, and Jeed Silverstein, *The Doctrin of the Messiah, The Blackwell Companion to Judaism*, Edited By Jacob Neusner and Alan, J. U.S.A: Avery-Peck, 2000, p. 256.

۷۹. کهن، پیشین، ص ص ۳۵۷-۳۶۰.

۸۰. همان، ص ۳۶۱.

81. Mac Cullach, *op.cit.*, p. 381.

* برای ترجمه آیات کتاب مقدس (عهد قدیم) از ترجمه فارسی آن (انجمن پخش کتب مقدس، ۱۹۸۰) استفاده کردیم.